



پول برای تراکتور آرامش نیاورده است

زنوزی، گرفتار بحران های خود ساخته

با سر و صدای زیادی به تبریز آمد ولی با اولین افت تراکتور جایش را به احد شیخ لاری و سپس ساکت الهامی داد. هر مربی برای ساختن تیم جدید و رسیدن به موفقیت نیاز به زمان دارد ولی مدیریت تراکتور نشان داده که صبور نیست و با چند نتیجه ضعیف عذر مربی اش را می خواهد. البته این رویه پیش از آمدن زنوزی هم وجود داشت و تراکتور در نتیجه فشار و انتظارات بالای تماشاگران به ندرت توانسته فصل را با یک مربی شروع کند و با همان مربی به پایان برسد، با این حال انتظار از مالک یک باشگاه خصوصی با مدیران دولتی فوتبال که همیشه خطر برکناری را احساس می کنند، متفاوت است. او می توانست بدون توجه به فضای احساسی هواداری، مدیریت اثبات تری در پیش بگیرد. هر بار تغییر مربی به معنی شروع از نقطه صفر و بر هم زدن ساختار تیم است و حضور شش مربی در کمتر از دو فصل نتیجه ای جز آشفتگی نداشته.

این رویه احساسی در خرید بازیکنان خارجی هم دیده می شود، از جمله کوین کنستانت که با سر و صدای زیادی به تبریز رفت ولی خیلی زود مشخص شد که به دلیل مشکل قلبی نمی تواند برای تراکتور به میدان برود. خطیر که از طریق نصیرزاده همکاری هایی با تراکتور داشته، درباره اجرای عقد قرارداد با هافبک سابق میلان گفت: «اینکه شما قبل از بستن قرارداد با هر بازیکن تست پزشکی بگیرید یک اصل در فوتبال است و انجام تست پزشکی بعد از قرارداد قابل قبول فیفا و هیچ نهادهی نیست. در باشگاه تراکتور با این بازیکن قرارداد ۴ ساله بستند و حتی زنوزی به مدیران باشگاه گفت با این بازیکن هر چه زودتر قرارداد امضا کنید و بعد از او تست پزشکی گرفتند و گفتند قلب بازیکن مشکل دارد. آنها از بازیکن شکایت کرده و قراردادش را یکطرفه فسخ کردند و او هم از این بابت از باشگاه شکایت کرد.»

بخشی از خشم زنوزی احتمالاً ناشی از این است که تراکتور به اندازه هزینه هایش نتوانسته نتیجه بگیرد. این تیم لیگ هجدهم را در رده پنجم به پایان رساند و در فصل جاری هم با ده امتیاز اختلاف نسبت به پرسپولیس صدرنشین بخت زیادی برای قهرمانی ندارد. درباره تراکتور شنیده می شود که حرف اول و آخر درباره تصمیمات مهم با زنوزی است ولی انتقالات پرحاشیه، تغییرات پر شمار مربیان و پرونده های انضباطی اخیر محدودیت های این روش مدیریت را به او یاد آوری می کند. برای مالک تراکتور راه حل بهتر شاید این است که نگاه مدرن تری به باشگاهداری داشته باشد، کار را به یک تیم مدیریتی مطمئن بسپارد و بر اساس یک برنامه بلندمدت حرکت کند وگرنه تیم تبریزی کار سختی برای خروج از این دور تسلسل خواهد داشت.

کارشناسان است. مثلاً درباره دو پرونده تراکتور زیر نظر دلشات گفته می شود که او توانسته تخفیف خوبی بگیرد. وکیل سوئسی مبلغ درخواستی یک میلیون و ششصد هزار یورویی استوکس را به ۵۰۰ هزار یورو و پرونده یک میلیون و پانصد هزار دلاری کنستانت را به رقمی در حدود ۴۰۰ هزار یورو رسانده است. به بیان دیگر برخی معتقدند لودوویچ دلشات در پرونده های کنستانت و استوکس نباخته و بلکه توانسته تخفیف خیلی خوبی هم برای تراکتور بگیرد.

جاه طلبی بدون برنامه

تراکتور با مالکیت زنوزی باشگاه جاه طلبی است که از هزینه کردن ابایی ندارد و تلاش کرده با جذب ستارگان ایرانی و خارجی به قهرمانی لیگ، آرزوی دیرینه هوادارانش برسد.

مالکیت خصوصی تراکتور را از استقلال، پرسپولیس و سپاهان، سایر مدعیان لیگ متمایز کرده است. اگر بدهی های کلان برای استقلال و پرسپولیس در دسر زیادی بوجود آورده و آنها با فهرستی طولانی از مربیان و بازیکنان طلبکار روبه رو هستند، تراکتور زنوزی هیچ وقت چنین مشکلی نداشته و تقریباً هر بازیکنی را که مایل بوده به تبریز برده است. بهترین نمونه اشکان دژاگه است که برای تمام تیم های بزرگ لیگ یک انتقال رویایی محسوب می شد ولی در نهایت پیشنهاد تراکتور بود که او را متقاعد کرد وارد فوتبال ایران شود.

این توانایی مالی اما نتوانسته تراکتور را از حاشیه ها دور کند و مهم تر از آن نمود چندانی در عملکرد تیم نداشته است. اکثر کارشناسان فوتبال معتقدند که باشگاه ها با مالکیت خصوصی وضعیت بهتری خواهند داشت و بسیاری از مشکلات فعلی باشگاه های لیگ برتری را نتیجه مالکیت دولتی می دانند. با این حال تراکتور به عنوان یک باشگاه خصوصی و پرطرفدار از این نظر نتوانسته الگوی مناسبی برای دولتی ها باشد و دردسرها و مشکلاتش کمتر از دیگران نبوده است.

زنوزی که در سال ۹۷ مالکیت تراکتور را به دست آورد، بر این باور است که با تزریق پول می تواند مسیر موفقیت را کوتاه تر کند، در حالی که تجربه فوتبال نشان داده که پول به تنهایی چاره ساز نیست و باشگاه های متمول هم برای رسیدن به قله نیاز به برنامه بلندمدت و استراتژی دارند.

او فصل قبل را با جان توشاک شروع کرد، در میانه راه هدایت تیم به دستیار او محمد تقوی رسید و در نهایت تراکتور فصل را با ژرژ لیکنز تمام کرد. این حکایت در لیگ نوزدهم هم در حال تکرار شدن است؛ دنیزلی در شروع فصل

فاطمه پور یوسف
Fatemeh Pouryousef

در روزهای تعطیلی فوتبال، تراکتور با جنجال غیرمنتظره ای روبه رو شده است. شروع ماجرا به مصاحبه تند زنوزی برمی گردد که نصیرزاده و خطیر را به تبانی در پرونده های حقوقی باشگاهش متهم کرده است. مالک تراکتور معتقد است لودوویچ دلشات، وکیل خبره سوئسی که از مسیر خطیر و سپس نصیرزاده به باشگاه وصل شده، عمداً لایحه های ضعیفی تنظیم کرده تا باشگاه در چند پرونده مهم بازنده شود.

زنوزی با اشاره به پرونده استوکس و اروین، دو مهاجم خارجی سابق تراکتور گفت: «در پرونده هایی که تمام مستندات به نفع باشگاه بود و بازیکنان تمام دستمزد خود را طبق قرارداد دریافت کرده بودند و مستندات آن نیز موجود است، استوکس و اروین بدون اجازه باشگاه به تمرینات ملحق نشده و به طور یکطرفه و بدون دلیل موجه، قرارداد خود را فسخ کرده بودند. در جلسه حضوری در استانبول، وکیل (لودوویچ دلشات) تمام مستندات را با جزئیات بررسی کرد و اطمینان داد که با توجه به تجربه ۱۰ ساله خود در ارکان قضایی فیفا، این پرونده ها به نفع باشگاه تراکتور خاتمه می یابد اما در حالی که منتظر محکومیت این دو بازیکن بودیم، با حکم عجیب فیفا علیه باشگاه مواجه شدیم و پس از بررسی لایحه دفاعی ایشان توسط سه وکیل ورزشی داخلی و دو وکیل کارگشته خارجی، متوجه شدیم ایشان لایحه را به طور ناقص ارائه داده است. چگونه ممکن است وکیل که ۱۰ سال در بالاترین ارکان قضایی فیفا حضور داشته است، ابتدایی ترین کار در لایحه نویسی، یعنی استناد و استفاده از مستندات کتبی را لحاظ نکند؟ این موضوع را با استفاده از بهترین وکلای خارجی در حال اثبات هستیم و عواقب سنگینی در انتظار این وکیل است.»

البته طرف دیگر ماجرا این اتهامات را قبول ندارند. نصیرزاده درباره این اتهام گفت: «اصلاً این موضوعات نیست. در این رابطه هیچ چیز نمی گویم و سکوت می کنم. اشکالی ندارد، ایشان بزرگ ما هستند و هر چیزی که دوست دارند، می توانند بگویند.»

پاسخ خطیر اما تندتر بود و مدعی شد که از مالک تراکتور به خاطر طرح این اتهامات شکایت می کند.

پرونده های حقوقی فوتبال پیچیده تر از آن است که بتوان صرفاً با ادعای یکی از طرفین دعوا، دیگری را مقصر دانست و نیاز به دانستن جزئیات و نظر